



## تبیین راهبردهای مواجهه با "موک‌ها" در برنامه درسی آموزش عالی

\* اسماعیل جعفری

\*\* کوروش فتحی واجارگاه

\*\*\* محبوبه عارفی

\*\*\*\* مرتضی رضایی‌زاده

### چکیده

"موک" یک دوره مبتنی بر وب است که به صورت رایگان برای هر شرکت‌کننده در هر نقطه‌ای از جهان، فایلی در دسترس است. هدف این مطالعه، شناسایی و تبیین راهبردهای بهره‌گیری از موک‌ها در برنامه درسی آموزش عالی ایران بوده است. این پژوهش از حیث کاربرد در برنامه درسی دانشگاه‌ها، از نوع کاربردی بوده و در انجام آن از روش کیفی و داده‌بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری شامل: جمعی از متخصصان برنامه درسی، طراحان و مدرسان دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک‌ها و شرکت‌کنندگان این دوره‌ها بودند که به روش نمونه‌گیری هدف‌مند تعداد ۱۴ نفر از آنان انتخاب گردیدند. افرادی به عنوان نمونه انتخاب شدند که با برخورداری از تجربه مشارکت یا اجرایی در دوره‌های موک بتوانند نسبت به کیفیت خدمات آموزشی این دوره‌ها اظهار نظر دقیقی ارائه نمایند. این افراد هم‌چنین، دارای تألیفات و فعالیت‌های پژوهشی قابل توجه در زمینه فن آوری‌های آموزشی و نیز سوابق مدیریتی و اجرایی در حوزه فن آوری‌های آموزشی در آموزش عالی بودند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری گردید. یافته‌ها نشان داده است که مهم‌ترین راهبردهای مواجهه با موک‌ها در برنامه‌های درسی آموزش عالی دربرگیرنده برنامه‌ریزی درسی کارآمد برای موک‌ها، افزایش ارتباطات بین‌المللی در آموزش عالی، بستر سازی اجتماعی و فرهنگی جهت بهره‌گیری از موک‌ها، داشتن برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها در عرصه آموزش عالی، و اتخاذ تدابیر مدیریتی صحیح در راستای استفاده بهینه از موک‌ها است.

**واژگان کلیدی:** آموزش عالی، برنامه‌های درسی، راهبردها، موک

\* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [phd\\_136287@yahoo.com](mailto:phd_136287@yahoo.com)

\*\* استاد دانشکده علوم و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [fathi@sbu.ac.ir](mailto:fathi@sbu.ac.ir)

\*\* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [m-Arefi@sbu.ac.ir](mailto:m-Arefi@sbu.ac.ir)

\*\* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [morteza.RezaeiZadeh@ul.ie](mailto:morteza.RezaeiZadeh@ul.ie)

نویسنده مسؤول: اسماعیل جعفری

## مقدمه

با توسعه شبکه جهان گستر وب، مؤسسات آموزش عالی نیز باید از امکانات این شبکه در امر آموزش استفاده نموده، اعضای هیأت علمی خود را از دانش و مهارت لازم برای به کارگیری این فن‌آوری در آموزش و توسعه آموزش عالی برخوردار سازند (Harirchiyan et al., 2011). در واقع، امروزه ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی بر نحوه توسعه آموزش عالی سایه افکنده است؛ در این جامعه رسالت‌ها و اهداف دانشگاه به تناسب آرمان‌ها و نیازهای جامعه تغییر کرده است (Thackray, Good & Howland, 2010) و ضرورت توجه به نوآوری‌های آموزشی چون برنامه‌های درسی مجازی بیش از پیش احساس می‌شود. یک نمونه از به روزترین این نوآوری‌ها کاربست موک‌ها<sup>۱</sup> در برنامه‌های درسی است. موک یک روش آموزشی برخط می‌باشد که اتصال شبکه اجتماعی را ایجاد می‌کند و به متخصصان و دانشجویان و کاربران در زمینه تحقیق کمک می‌کند و گستره وسیعی از منابع در دسترس، برخط و رایگان را ارائه می‌دهد (McAuley, Stewart, Cormier & Siemens, 2010). این دوره‌ها را می‌توان در قالب چارچوب بزرگ‌تر منابع آزاد آموزشی دانست که به طور معمول به عنوان محتوای دیجیتال شده قابل استفاده و به صورت رایگان در اختیار دانشجویان، آموزگاران و محققان برای بهره‌برداری، یادگیری و آموزش و تحقیق در دسترس می‌باشند.

موک‌ها سبب تغییرات مثبت اساسی در برنامه درسی آموزش عالی شده‌اند و علیرغم مزایای بسیاری که از حیث فراهم‌آوری فرصت‌های یادگیری می‌توانند داشته باشند، می‌توانند چالش‌ها و تهدیداتی را نیز برای نظام‌های آموزش عالی مخصوصاً برای کشورهای در حال توسعه فراهم آورند (McAuley et al., 2010). این چالش‌ها و فرصت‌ها بر ضرورت و امکان‌سنجی برنامه درسی مبتنی بر موک در آموزش عالی دلالت دارند و نیز بر کلیه اجزای این نوع برنامه درسی تأثیر می‌گذارند. با مدیریت صحیح این چالش‌ها و نیز اتخاذ راهبردهای مناسب در جهت استفاده بهینه از فرصت‌ها، می‌توان از ظرفیت موک‌ها در برنامه درسی بهره کامل را گرفت و به کارآمدی و اثربخشی آموزش عالی افزود. با توجه به ضرورت سازگار شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی با شیوه‌های مختلف یادگیری و طرح‌های آموزشی آنلاین و جدید جهت تضمین کیفیت در ارائه خدمات به کاربران و سازگاری با فضاهای فن‌آوری که به صورت آنلاین رشد و توسعه می‌یابند،

ضروری است که پژوهش‌های آکادمیکی در خصوص تحولات موک‌ها در آموزش عالی صورت پذیرد (Pottrr, 2013). بررسی پیشینه موجود نشان می‌دهد، در این زمینه کار جدی و آکادمیک انجام نشده است (Daneil, 2012). در پژوهشی با عنوان «کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر موک» نشان داده شد که موک فرصت مغتنمی برای کتابداران و کتابخانه‌هاست تا نقش‌های آموزشی خود را گسترش داده و از آگاهی‌ها و مهارت‌های خود در مسایل حق مؤلف و آموزش سواد اطلاعاتی در این بستر جدید نیز استفاده کنند (Sarafzadeh, 2016).

امتی و توسلی (Omami & Tavasoli, 2015) در پژوهشی دیگر با عنوان «ظهور موک‌ها در آموزش پزشکی» نشان دادند موک‌ها در مدت کوتاهی طیف وسیعی از مربیان، فراگیران، شرکت‌های تجاری، رسانه‌ها و عموم افراد را به خود جلب کرده‌اند. در حال حاضر، بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ دوره‌های خود را به صورت موک ارائه می‌دهند. به احتمال زیاد در سال‌های آتی موک‌ها بخشی از چشم‌انداز آموزش عالی خواهند شد. بیلنگر و تورنتون (Belanger & Thornton, 2013) در راستای بررسی وضعیت دوره‌های موک نشان دادند که مهم‌ترین عواملی که منجر به ترغیب دانشجویان به تکمیل دوره شده‌اند، عبارتند از: تمایل به دریافت مدرک اتمام دوره، افزایش آگاهی برای بالا بردن عملکرد کاری خود، تشویق و حمایت از جانب سایر همکلاسی‌ها و یا استادان در انجمن‌های گفت‌وگو و به عنوان مکملی برای یک دوره اعتبار دهنده. مهم‌ترین موانع تکمیل دوره، شامل: کمبود زمان، دانش پیش‌نیاز ناکافی، دشواری در به کار بستن مطالب و مفاهیم آموزش‌ها در آزمون‌های اخذ شده بود. از دیدگاه مدرسان نیز تنوع و تعدد بالای مخاطبان به ایده‌ها، نظرات، لینک‌های مفید و تازه‌ای انجامید که به غنی‌تر شدن تجربه کمک شایانی کرده است. این پژوهش با این نتیجه همراه بود که آموزش در این دوره زمان قابل توجهی را برای پاسخ به مشکلات دانش‌آموزان، شرکت در جلسات تعیین شده دوره و به طور کلی، تعامل با شرکت‌کنندگان بوده است. جاکوبز (Jacobs, 2013) در پژوهشی در زمینه وب نشان داد دانش‌آموزان دریافته‌اند که بیشتر استادان همکاری کننده در موک در حوزه تخصصی خود شناخته شده و خبره هستند. برخی از استادان که لزوماً از دانش بالایی برخوردار نبودند، توانسته‌اند از طریق موک‌ها برای خود اسم و رسمی دست و پا کنند.

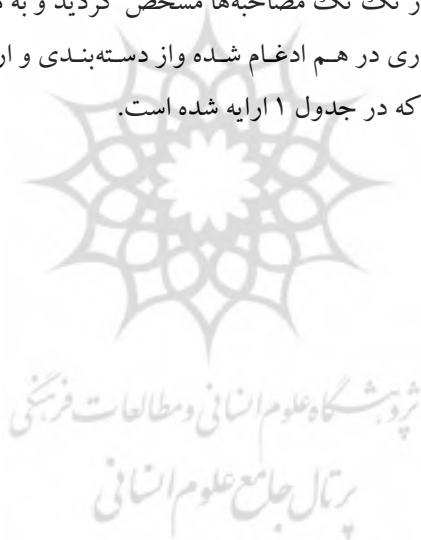
آگرول (Agarwal, 2013) به منظور بررسی نگرش‌های دانش‌آموزان و مدرسان در زمینه موک نشان داد که دانش‌آموزان بر این باور بودند شرکت در موک این حس را داشته که در یک

کلاس واقعی با تجربیات آنلاین، مهلت مقرر برای تکالیف و آزمون‌های میان‌ترم و پایان‌ترم شرکت کرده باشند. مدرسان بر این باور بودند که این دوره‌ها باعث کسب اطلاعات بیشتر درباره نحوه ترغیب دانش‌آموزان به شرکت در دوره‌های آنلاین و یافتن دو رویکرد آموزشی مفید بازی‌گونه کردن آموزش و تحریک تعاملی ذهن مخاطب خواهد شد. آلون (Allon, 2012) در پژوهشی در زمینه مدیریت عملیات نشان داد که چشم‌انداز دانش‌آموزان در راستای شرکت در دوره‌های موک افزایش مهارت‌های مدیریتی بوده است و معلمان بر این باور بودند که بحث‌ها و ویدیوهای در قالب زمانی پنج دقیقه برای مشغول نمودن دانش‌آموزان در دوره مفید بوده است.

بررسی پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع و گاهی ناقص و تک بعدی، ضرورت انجام مطالعه‌ای عمیق روی تحقیقات مرتبط را ایجاب می‌نماید تا بتوان به درک بهتری از دوره‌های همگانی آنلاین در سطح تحصیلات عالی دست پیدا کرد. با توجه به اهمیت دوره‌های موک‌ها در آموزش عالی امروز و به منظور تسهیل نگاه راهبردی به این دوره‌ها در بستر آموزش عالی ایران، در این پژوهش تلاش بر آن است که راهبردهای مواجهه با موک‌ها در برنامه درسی آموزش عالی مورد بررسی قرار گیرد. به علت عدم توجه به موضوع موک‌ها در آموزش و آموزش عالی ایران، پژوهشی در رابطه با فرصت‌ها و چالش‌هایی که این روش آموزشی می‌تواند برای آموزش عالی کشور ایجاد کند انجام نشده است و همین عوامل ضرورت انجام پژوهش حاضر را روشن می‌سازد. در این راستا، پژوهش حاضر در تلاش است تا به این سؤال پژوهشی پاسخ دهد که راهبردهای آموزش عالی در زمینه مواجهه با موک‌ها در برنامه درسی آموزش عالی چیست؟ روش پژوهش حاضر، از حیث کاربرد در برنامه درسی دانشگاه‌ها، از نوع کاربردی است. روش پژوهش، کیفی و داده‌بنیاد است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل افرادی است که در دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک‌ها درگیر بوده و فعالیت داشته‌اند. بر این اساس، از بین جامعه آماری ۱۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. افرادی به عنوان نمونه انتخاب شدند که با برخورداری از تجربه مشارکت یا اجرایی در دوره‌های موک بتوانند نسبت به کیفیت خدمات آموزشی این دوره‌ها اظهار نظر دقیقی ارائه نمایند. این افراد هم‌چنین، دارای تألیفات و فعالیت‌های پژوهشی قابل توجه در زمینه فن‌آوری‌های آموزشی، و نیز سوابق مدیریتی و اجرایی در حوزه فن‌آوری‌های آموزشی در آموزش عالی بودند. از این تعداد، ۹ نفر

دارای مرتبه علمی دانشیار و ۵ نفر استادیار و نیز ۱۰ نفر از آنها دارای سابقه تدریس بالای ۸ سال بوده‌اند.

در این تحقیق از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به منظور گردآوری داده‌های کیفی جهت شناسایی راهبردهای مربوط به کاربست موک‌ها بر برنامه درسی آموزش عالی و تعیین مقوله‌ها و تحلیل تفسیری و نیز از روش تحلیلی محتوای کیفی برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها بهره گرفته شده است. به‌منظور تعیین روایی داده‌های کیفی از روش چک کردن اعضاء<sup>۱</sup> استفاده شده است و پایایی فرم مصاحبه با قراردادن خلاصه مطالب و مقوله‌های تعیین شده در اختیار سه نفر آگاه به روش‌های پژوهش کیفی و اعمال نظرهای آنان بررسی شده است. در تحقیق حاضر، از روش تحلیل داده‌های کیفی (کدگذاری باز و محوری) استفاده شده است. در این راستا، جملات معنی‌دار در تک تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و به هر یک کدی اختصاص داده شد. سپس، کدهای تکراری در هم ادغام شده و از دسته‌بندی و ارتباط کدهای اصلی به یکدیگر، مقوله‌ها حاصل شد که در جدول ۱ ارایه شده است.



## یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، مهم‌ترین مقوله‌های اظهار شده توسط مصاحبه‌شوندگان در راستای راهبردهای مواجهه با موک‌ها در برنامه درسی آموزش عالی را می‌توان در قالب پنج مقوله و راهبرد مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱. مهم‌ترین مقوله‌های اظهار شده توسط مصاحبه‌شوندگان در راستای راهبردهای مواجهه با موک‌ها در برنامه درسی آموزش

<p>ارتقای کیفیت تدریس استادان، طراحی آموزش مطلوب، ارتقای کارآیی برنامه‌ریزی درسی، تمرکز بر توانمندی استاد، تغییر دیدگاه به تدریس و آموزش دانشگاهی</p>	<p>برنامه‌ریزی درسی کارآمد برای موک‌ها در برنامه درسی</p>
<p>الگو گرفتن از دانشگاه‌های پیشرو در زمینه موک، تأکید بر فرهنگ بین‌المللی کردن آموزش، شکل‌گیری رابطه تعاملی میان دانشگاهیان، شهرت و عیار ملی و بین‌المللی دانشگاه در نتیجه ارائه موک‌ها، استفاده از امتیاز هم‌زبانی با کشورهای همسایه، فرهنگ‌سازی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نسبت به دانشجویان بین‌المللی، استفاده از فرصت‌های حاصل از شناخت استادان دانشگاه‌های ایران در نتیجه ارائه موک و تأثیر آن بر ارتقای دید و نگرش مثبت به آموزش عالی خود</p>	<p>افزایش ارتباطات بین‌المللی در آموزش عالی</p>
<p>ایجاد مهارت و آگاهی کامل در استادان از این دوره‌ها، کاربست مطلوب و اجرای اثربخش موک‌ها، ارتقای سواد اطلاعاتی، آگاهی داشتن از اهمیتی که در بهره‌گیری از موک‌ها وجود دارد، ارائه تعریف درست و ایجاد باور درستی از ظرفیت موک‌ها، از میان برداشتن این ایده که چون موک‌ها رایگان هستند. پس بی‌ارزشند، اطلاع‌رسانی کافی در خصوص ارزش آموزشی دوره‌های مبتنی بر موک، رفع تأثیر تبلیغات منفی بر موک‌ها، ارتقای نگرش مثبت استادان به موک‌ها، رفع احساس تهدید استادان نسبت به موقعیت‌شان، ایجاد واحدهایی در دانشگاه برای شرکت در دوره‌های موک، پشتیبانی و تأمین مالی لازم برای حرکت در راستای موک‌ها، برداشتن محدودیت‌های اینترنتی و شبکه‌ای، از بین بردن فرهنگ مدرک و مدرک‌گرایی به عنوان هدف آموزش عالی، افزایش انگیزه و از میان برداشتن فرهنگ آموزشی اجباری و امتحانی، تشویق یادگیرندگان به استفاده از شبکه‌های ارتباطی، آشنایی دانشجویان و استادان با تکنولوژی، فرهنگ‌سازی برای موک‌ها، داشتن مشارکت از سوی دانشگاهیان</p>	<p>بستر سازی اجتماعی و فرهنگی جهت بهره‌گیری از موک‌ها</p>

فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم و داشتن دیدگاه‌های کلان مدیریتی نسبت به موک‌ها، سرمایه‌گذاری در بحث فن‌آوری‌های جدید یادگیری، برنامه‌ریزی هدف‌مند جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در موک‌ها، سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه دوره‌ها، در نظر گرفتن موک‌ها در ردیف بودجه‌ای و تخصیص بودجه، حمایت دولت از موک‌ها، ایجاد تدابیر فنی در زمینه در دسترس بودن سیستم‌های آنلاین، نگاه مثبت کارفرمایان به مهارت‌های فارغ‌التحصیلان موک‌ها، نگاه مقطعی نداشتن به موک‌ها، داشتن نگاه بلندمدت و هدف‌دار به موک‌ها، ایجاد کرسی‌های مربوط به موک و مراکز ارزیابی این دوره‌ها در دانشگاه، نظارت بر فرآیند تولید و بهره‌گیری از موک‌ها، بهره‌گیری تدریجی از موک‌ها در سیستم سنتی آموزش عالی، تقویت فرهنگ آموزش الکترونیکی

داشتن برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها در عرصه آموزش عالی

بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌ها و امکانات کشور در زمینه رشد سواد الکترونیکی و رشد سواد آکادمیک و بهره‌گیری از امتیاز برخورداری از جمعیت گسترده از دانشجویان دکتری، از بین بردن مسایل و مشکلات ایجاد شده توسط مؤسسات آموزش عالی و دانشگاهیان، بهره‌گیری از ساز و کارهای قانونی، شفاف‌سازی موک‌ها و مسیر آنها برای دانشجو، اعمال مدیریت مناسب، اعمال مدیریت غیرمتمرکز در آموزش عالی

اتخاذ تدابیر مدیریتی صحیح در راستای استفاده بهینه از موک‌ها

در ادامه به تفصیل به توضیح هر مقوله پرداخته می‌شود.

۱. برنامه‌ریزی کارآمد برای موک‌ها در برنامه درسی: به زعم برخی از مصاحبه‌شوندگان، با ارتقای کیفیت تدریس در استادان و نیز طراحی آموزشی مطلوب، می‌توان از نقاط ضعف موک‌ها در آموزش عالی تا اندازه خیلی زیادی کاست (مصاحبه‌شوندگان ۸ و ۱۱). از دید مصاحبه‌شوندگان ۴ و ۱۰، توسعه موک زمانی می‌تواند تهدید محسوب شود که برای آن برنامه‌ریزی صورت نگرفته باشد و یا برنامه‌ریزی صورت گرفته کار خودش را به خوبی انجام ندهد و دچار کهنگی یا روزمرگی شده باشد و دیگر کارآیی سابق را نداشته باشد. تمرکز بر توانمندی استاد (مصاحبه‌شوندگان ۱، ۳، ۵ و ۱۱) برای برنامه‌ریزی، و تمرکز بر طراحی آموزشی و تغییر دیدگاه استادان به تدریس و آموزش دانشگاهی (مصاحبه‌شونده ۱۱) می‌تواند در کاستن اثرات این تهدیدها بسیار مفید باشد.

۲. افزایش ارتباطات بین‌المللی در آموزش عالی: از دید مصاحبه‌شوندگان ۵ و ۸ لازم است، شکل‌گیری رابطه آکادمیک، کار گروهی، همکاری و گفت‌وگو شکل بگیرد. از دید مصاحبه‌شونده شماره ۳ «می‌توان از امتیاز هم‌زبان بودن با کشورهای همسایه و ارایه موک برای آنها نهایت استفاده را نمود». «شهرت و عیار ملی و بین‌المللی دانشگاه ارایه‌دهنده موک‌ها، نقش مهمی را در تسهیل استفاده از فرصت‌ها برای بهبود برنامه درسی بازی می‌کند» (مصاحبه‌شونده ۴). عدم ایجاد فرهنگ بین‌المللی کردن دانشگاه و آموزش عالی و عدم ایجاد فرهنگ اقتباس از کشورهای پیشرو در ارایه موک‌ها، مانع بهره‌گیری از ظرفیت موک‌ها برای بهبود برنامه درسی می‌شود (مصاحبه‌شوندگان ۱، ۲، ۷ و ۱۱).

۳. بسترسازی اجتماعی و فرهنگی جهت بهره‌گیری از موک‌ها: از دیدگاه مصاحبه‌شونده ۱ «عدم فرهنگ‌سازی برای موک‌ها، مانعی در تحقق کامل نقاط مثبت موک در آموزش عالی است. خود موک‌ها نیاز به فرهنگ‌سازی دارند». از دید عده دیگری از مصاحبه‌شوندگان اگر هدف در ارایه دوره‌های آنلاین کسب مدرک و مدرک‌گرایی باشد، توفیقی نسبت به آموزش حضوری ندارد و اوضاع آموزش عالی را وخیم‌تر می‌کند (مصاحبه‌شوندگان ۳، ۴ و ۸). عدم مهارت و آگاهی کامل استادان از این دوره‌ها و عدم کاربست مطلوب آنها، سبب می‌شود که با اجرای غیر اثربخش آن به درجات ضعف این دوره‌ها افزوده شود (مصاحبه‌شوندگان ۳، ۸ و ۱۰). مصاحبه‌شوندگان ۷ و ۱۲ بر این باور هستند که بحث سواد اطلاعاتی، بحث مهمی است که عدم برخورداری از آن به ضعف موک‌ها می‌انجامد. سواد اطلاعاتی، نه صرفاً سواد به معنی توانایی بهره‌گیری از ابزار است، بلکه به معنی توانایی بهره‌گیری از آن چیزی است که عرضه می‌شود. آگاهی نداشتن نسبت به اهمیت بهره‌گیری از موک‌ها می‌تواند از مسایل و مشکلات اساسی باشد و هر چقدر هم اینها بر روی هم انباشته شود می‌تواند تقویتش کند (۲، ۱۳). بر طبق دیدگاه مصاحبه‌شونده ۹ و ۱۳ نبود انگیزه و فرهنگ آموزشی اجباری و امتحانی، از عوامل تشدیدکننده نقاط ضعف محسوب می‌شوند. از دید مصاحبه‌شوندگان ۲، ۵ و ۹ در کشورهای در حال توسعه، توسعه موک‌ها باید گام به گام پیش برود و نمی‌توان یک دفعه سیستم سنتی را کنار گذاشت و بعد آن را مورد استفاده قرار داد. «باید فرهنگ آموزش الکترونیکی و بهره‌گیری از این آموزش را تقویت نمود و تعاملات فرهنگی را در جهات مختلف افزایش داد» (مصاحبه‌شونده ۲). به زعم مصاحبه‌شوندگان ۳، ۷ و ۱۱ نگرش استادان باید نسبت به تدریس دانشگاهی و موک عوض شود. اغلب استادان نگرش



مثبتی به این دوره‌ها ندارند و آنرا تهدیدی برای موقعیت خود می‌دانند. نبود اطلاعات کافی در خصوص ارزش آموزشی دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک سبب می‌شود که مؤسسات آموزش عالی و دانشگاهیان، مسایل و مشکلاتی را در راستای موک‌ها ایجاد کنند و در مقابل آن مقاومت نشان دهند (مصاحبه شونده ۲ و ۶). از دید مصاحبه شوندگان ۸ و ۱۰ محدودیت‌های اینترنتی و شبکه‌ای باید برداشته شود. عدم فرهنگ‌سازی برای موک‌ها، مانعی در تحقق کامل نقاط مثبت موک در آموزش عالی است. خودِ موک‌ها نیاز به فرهنگ‌سازی دارند (مصاحبه شوندگان ۲، ۶ و ۸). بسیاری از دانشگاهیان و مدیران و متخصصان، باور درستی از ظرفیت موک‌ها ندارند (مصاحبه شوندگان ۲ و ۱۰). از دید مصاحبه شوندگان ۷ و ۱۳ باید فرهنگ آموزش الکترونیکی و بهره‌گیری از این آموزش را تقویت نمود و تعاملات فرهنگی را در جهات مختلف افزایش داد.

۴. داشتن برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها در عرصه آموزش عالی: فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم و نداشتن دیدگاه‌های کلان‌مدیریتی نسبت به موک‌ها می‌تواند از مسایل و مشکلات اساسی باشد و هر چقدر هم اینها بر روی هم تلنبار شود می‌تواند که قوی‌ترش بکند (مصاحبه کنندگان ۱، ۲، ۶ و ۱۲). از دید مصاحبه شوندگان ۱۱ و ۱۳ سرمایه‌گذاری اندکی در بحث فن‌آوری‌های جدید یادگیری صورت می‌گیرد و آموزش عالی از پیشرفت‌های تکنولوژی آموزشی به دور مانده است. فقدان سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه دوره‌ها، به تشدید نقاط ضعف منجر می‌شوند (مصاحبه شوندگان ۳، ۱۲ و ۱۴). به زعم مصاحبه شوندگان ۳، ۵، ۶، ۸ و ۹ بودجه عمومی دانشگاه‌ها بر اساس سرانه دانشجویان است و بر اساس شرکت آنها در دوره‌های ارائه شده در مؤسسات نیست. به همین خاطر، تأمین و حمایت مالی و تخصیص بودجه به موک‌ها صورت نمی‌گیرد. «در زمینه نوع نگاه و نگرش موجود در بازار کار و کارفرمایان نسبت به این دوره‌ها و اعتبار آنها، می‌بایست فرهنگ‌سازی شود و همواره با دیدی مثبت به مهارت‌های فارغ‌التحصیلان و کارآیی آنها توجه شود» (مصاحبه شونده ۹). از دید مصاحبه شوندگان ۱۱ و ۱۲ نباید نگاه مقطعی به موک‌ها داشت، بلکه باید نگاه بلندمدت و هدف‌دار به دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک داشت. به زعم مصاحبه شوندگان ۶ و ۹ باید در چند دانشگاه، کرسی‌های مربوط به موک و مراکز ارزیابی این دوره‌ها را ایجاد کرد تا بتوان نظارت بر فرآیند تولید و بهره‌گیری از آنها را داشت. در کشورهای در حال توسعه، توسعه موک‌ها باید گام به گام پیش برود و نمی‌توان یک دفعه سیستم سنتی را کنار گذاشت و بعد آن را مورد استفاده قرار داد (مصاحبه شوندگان ۳ و ۱۱). باید فرهنگ آموزش

الکترونیکی و بهره‌گیری از این آموزش را تقویت نمود و تعاملات فرهنگی را در جهات مختلف افزایش داد (مصاحبه شوندگان ۶ و ۱۴).

۵. اتخاذ تدابیر مدیریتی صحیح در راستای استفاده بهینه از موک‌ها: مصاحبه شوندگان ۲ و ۳ بر این باور هستند که از ظرفیت‌ها و امکانات کشور باید بهره کامل را گرفت و از امتیاز ارایه موک نهایت استفاده را نمود. پتانسیلی که در کشور در زمینه رشد سواد الکترونیکی و رشد سواد آکادمیکی وجود دارد عامل تعیین کننده و حیاتی است (مصاحبه شوندگان ۵ و ۷)، رشد دانشجویان دکتری که اغلب از سواد الکترونیکی برخوردار هستند و استخدام آنها به عنوان عضو هیأت علمی می‌تواند به استفاده از فرصت‌های موک‌ها در برنامه درسی کمک نماید (مصاحبه شوندگان ۲ و ۵). به زعم مصاحبه شوندگان ۳، ۷ و ۹ اعمال مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب در راستای موک‌ها از تهدیدات موک‌ها بر برنامه درسی می‌کاهد. بعضی از مصاحبه شوندگان معتقد هستند مدیریت متمرکز در آموزش عالی، مانع از تحقق برنامه‌های دانشگاه‌ها می‌شود (مصاحبه‌شوندگان ۱ و ۳). «شفاف‌سازی موک‌ها و مسیر آنها برای دانشجویی تواند از تهدیدات این موک‌ها بکاهد. (مصاحبه شونده ۱۰)

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای بررسی مواجهه با موک‌ها در برنامه درسی آموزش عالی نشان داده است که مهم‌ترین راهبردها، عبارتند از: برنامه‌ریزی درسی کارآمد برای موک‌ها در برنامه درسی، افزایش ارتباطات بین‌المللی در آموزش عالی، بستر سازی اجتماعی و فرهنگی جهت بهره‌گیری از موک‌ها، داشتن برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها در عرصه آموزش عالی، و اعمال ساز و کارهای مدیریتی صحیح در راستای استفاده بهینه از موک‌ها. همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان داده است یکی از مهم‌ترین راهبردهای برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها، برنامه‌ریزی درسی کارآمد برای موک‌ها در برنامه درسی می‌باشد، یادگیری و تدریس با وجود بهترین زیرساخت‌های فنی و دانشی محقق نمی‌شود، مگر این که برنامه‌ریزی درسیه صورتی اصولی و کارآمد تدوین و اجرا شود و این برنامه‌ریزی درسی در فضای مجازی به طور کلی و دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک‌ها به طور خاص نیاز به بازنگری مداوم فرآیند برنامه‌ریزی درسی و دانش افزایی مداوم استادان و برنامه‌ریزان درسی دارد. به روز کردن شیوه‌های مدیریت، برنامه‌ریزی، طراحی، تولید و تدریس از جمله مؤلفه‌های تعیین کننده در تسهیل برنامه‌ریزی کارآمد است. از این رو، درک قابلیت‌های فن آوری نظیر: امکانات ارتباطی، قابلیت‌های اطلاعاتی، دسترسی هر زمانی و هر مکانی، چندرسانه‌ای و شخصی سازی آن و تأکید به یادگیرنده محوری دو عامل مهم هستند که، متمایز از برنامه‌های درسی حضوری بر طراحی برنامه‌های درسی مجازی تأثیرگذار هستند. این دو عامل کیفیت عناصر برنامه درسی مجازی مانند اهداف برنامه، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع یادگیری، شیوه‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Seraji & Ataran, 2011). یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در اجرای برنامه‌ریزی درسی کارآمد، طراحی برنامه درسی اثربخش است. اجرای اثربخش برنامه درسی مجازی مستلزم آشنایی مدرسان و دانشجویان با مهارت‌های مورد نیاز در این محیط است. مدرس مجازی باید با راه‌های ایجاد فضای ارتباطی گرم و صمیمی، آغازگری و هدایت بحث، ارزشیابی از آموخته‌ها و رایه بازخورد، طراحی فعالیت‌های گوناگون یادگیری و مدیریت فرآیند آموزش آشنایی داشته باشد (Baran, Correia & Thompson, 2011).

از یافته‌ها این گونه استنباط می‌شود که باید برای اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها به منزله نوآوری آموزشی، امکانات و بسترهای مختلف علمی، نگرشی، و فنی مهیا باشد و همزمان استادان متناسب با این نوآوری‌ها دانش خود را ارتقا داده و تدریسی با کیفیت را محقق سازند و همه این شرایط مستلزم طراحی مطلوب و اثربخش عناصر برنامه‌های درسی است که به دانش و توانش و نگرش برنامه‌ریزان درسی بستگی دارد. در نتیجه، در ابتدا هر نوآوری آموزشی مثل برنامه درسی مبتنی بر موک‌ها باید نگرش و نگاه محدود و غلط نسبت به نوآوری‌ها را اصلاح و شکل داد تا در فضای آموزشی مورد پذیرش قرار بگیرد. در غیر این صورت به صورتی محدود و ناکارآمد پیاده می‌شود و به جای ارتقاء کیفیت، منجر به اتلاف هزینه‌های انسانی و مادی و غیره می‌شود.

از جمله راهبردهای اساسی دیگر که در کاربست موک‌ها در فضای برنامه‌های درسی تعیین کننده است، افزایش ارتباطات بین‌المللی در آموزش عالی می‌باشد که با توجه به ضرورت بین‌المللی سازی آموزش عالی و برنامه‌های درسی در جامعه علمی حاضر توجه به آن به خصوص برای کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران بیش از پیش احساس می‌شود. در واقع، آموزش عالی به عنوان ایجادکننده نوآوری‌ها و پرورش نیروی انسانی متعهد و متخصص در زمینه‌های گوناگون، نقش حیاتی و کلیدی در توسعه ملی هر کشوری دارد.

البته حصول این مقصود تنها در سایه اصلاح بنیادی آموزش عالی و هماهنگ‌نمودن فعالیت‌های آن با شاخص‌های بین‌المللی و بسط ارتباطات بین‌المللی بین متخصصان ممکن می‌گردد و استادان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی نیز وظیفه دارند برنامه‌ها و اهداف آموزشی خود را بر این اساس تدوین و آموزش دانشجویان را برای رسیدن به اهداف هدایت نمایند که با نظارت و مسؤولیت آموزش عالی و تسهیل بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی و ایجاد تغییرات مطلوب در دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های دانشجویان طراحی و اجرایی شود و شاخص‌های بین‌المللی سازی چون: رشد تعاملات بین‌المللی استادان و دانشگاهیان، الگو گرفتن از دانشگاه‌های پیشرو، تأکید بر فرهنگ بین‌المللی کردن آموزش و غیره مبتنی بر توانمندی‌ها و کارکردهای چندگانه استادان و مدیران دانشگاه است. همان‌طور که نشان داده شده است (Priestley, Minty & Eager, 2014)، ماهیت و میزان نوآوری و بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی در مؤسسه‌های آموزشی در قالب رویکردهای جدید تدوین رشته با پارادایم یادگیری مادام‌العمر و رویکردهای فرارشته‌ای، میان رشته‌ای و چندرشته‌ای به توانایی مدرسان در درک ماهیت برنامه درسی و

رویکردهای آن بستگی دارد و سیاست‌های آموزشی مؤسسه آموزشی از جمله عوامل تأثیرگذار در میزان و کیفیت فرآیند تدوین برنامه‌های درسی و رشته‌های جدید می‌باشند.

بسترسازی اجتماعی و فرهنگی جهت بهره‌گیری از موک‌ها به عنوان یکی دیگر از راهبردهای کاربست موک‌ها در برنامه‌های درسی محسوب شده است. بسترهای فرهنگی و اجتماعی متناسب با رویکردهای نوین آموزشی باید در آموزش عالی فراهم شود. برنامه‌های درسی مبتنی بر موک-ها، اینترنت، چندرسانه‌ای‌ها، فن‌آوری‌های ارتباطی، ابزارها و روش‌های جدید را پیش روی طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران و مجریان برنامه‌های آموزشی قرار داده است. به این ترتیب، الگوهای سنتی یادگیری متحول شده‌اند و کاربران با حجم گسترده‌ای از اطلاعات و دانش مواجه هستند. در واقع، برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها عرصه مناسبی برای ظهور و بروز استعدادها، خلاقیت و نوآوری‌ها بوده و موجب افزایش کارایی فرآیندهای آموزش می‌شوند. بنابراین، توجه ویژه به نقش آموزش الکترونیکی و مبتنی بر موک باید مورد توجه جدی متخصصان و استادان قرار بگیرد. دانش و مهارت‌های چندگانه استادان نقش محوری را در زمینه کاربست دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک‌ها دارند، تجهیز استادان به علم و فن‌آوری‌های روز منجر به ایجاد زمینه مناسب کاربست موک‌ها می‌باشد. بنا به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، آموزش عالی وارد دوران جدیدی شده است که رقابت در کیفیت آموزشی از مشخصه‌های اصلی آن محسوب می‌شود. فهم کیفیت آموزش کمی دشوار است و از مهم‌ترین دلایل این امر، کثیرالوجه بودن آن است. لذا، نتیجه به دست آمده از این فرآیند به یک عامل خاص مانند روش تدریس، امکانات یا تجهیزات وابسته نیست، بلکه عوامل متعدد دیگری نظیر ساختار نظام آموزشی دانشگاه، برنامه‌ریزی درسی، ویژگی‌های فردی، اخلاقی، روانی و فرهنگی نیروی انسانی موجود در این دانشگاه و سایر عوامل دیگر نیز در این خصوص دخیل هستند (Arefi, 2005).

مهارت و آگاهی استادان در زمینه برنامه‌های آموزشی مبتنی بر موک‌ها منجر به عملیاتی شدن و تحقق اثربخش و کارآمد این دوره‌ها می‌شود. مهارت‌هایی چون تسلط بر روش‌های نوین تدریس، مهارت‌های ارتباطی، پشتیبانی و حمایت مداوم از دانشجو (Khazaei et al., 2010) (Jacobs, 2013)، کاربست فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (Ringstaff & Kelly, Archer, 2002)؛ رویکردهای نوین طراحی آموزشی، دانش پژوهی، روش تدریس، قدرت ارتباط (مشاوره) و شخصیت فردی به منزله پیش‌نیازهای اساسی در اجرای یک برنامه درسی کارآمد می‌باشد و

مهارت و تسلط استادان بر نوآوری‌ها و موک‌ها بیش از پیش حایز اهمیت است (Yunus, Hashim Embi & Lubis, 2010).

زیرا نظریه‌ها و رویکردهای حاکم بر فضای آموزشی به طور مداوم با نوآوری و خلاقیت‌هایی رو به رو می‌شود و اگر استادان با همان نگرش و دانش قبلی این نوآوری‌ها را پیاده سازند، منجر به چندگانگی و عدم انسجام برنامه‌های درسی و کاهش اثربخشی چنین نوآوری‌هایی خواهد شد (Yunus, Hashim Embi & Lubis, 2010).

ارتقای سواد اطلاعاتی از جمله شاخص‌های اساسی فضای آموزشی و اطلاعاتی امروز است و در کاربست نوآوری‌های آموزشی چون موک‌ها که حاصل تحولات و رویکردهای نوین آموزش مجازی می‌باشند، بسیار اهمیت دارد. در واقع، امروزه دانشجویان و استادان در فضایی آموزشی هستند که سرشار از اطلاعات و رویکردهای نوین آموزش مجازی است که هر لحظه بر یادگیری و کیفیت عملکرد استادان تأثیر می‌گذارد. در چنین فضایی سواد اطلاعاتی کمک می‌کند تا چگونگی استفاده از نوآوری‌هایی چون موک‌ها و منابع اطلاعاتی آنها آموخته شود. این فرآیند مستلزم رسیدن به سطحی از مهارت است که بتوان رابطه فعال‌تری در ارتباط با موک‌ها داشت. به بیان دیگر سواد اطلاعاتی را می‌توان مجموعه مهارت‌هایی دانست که یاری‌گر افراد در یافتن اطلاعات مورد نیاز بوده و به یادگیری مادام‌العمر آن‌ها منجر می‌گردد. همان‌طور که نتایج دیگر تحقیقات (Gilbert, Doina, Nicoleta & Daniel, 2010) نشان داده است، سواد اطلاعاتی بر کیفیت یادگیری و نگرش دانشجویان تأثیر گذار است. در رویکردهای سنتی، یادگیرنده به عنوان عنصری منفعل مدنظر بود و در معرض یک سری اهداف و رویه‌های آموزشی از پیش تعیین شده قرار می‌گرفت که باید در جهت رسیدن به این اهداف حرکت می‌کرد؛ ولی این روند به دلیل بروز فن‌آوری و اطلاعات هم اکنون جای خودش را به خلق دانش نوین توسط یادگیرنده داده است. نقش فعال یادگیرنده در کسب تجارب یادگیری و دید مثبت وی در مورد توانایی‌هایش که ویژگی اصلی رویکردهای جدید آموزشی است، از ضرورت‌های سیستم‌های نوین یاددهی-یادگیری می‌باشد؛ زیرا که پاسخ به نیازهای متنوع یادگیرندگان با به وجود آمدن فن‌آوری‌های آموزشی مثل موک‌ها هم بیشتر احساس می‌شود و هم امکان‌پذیر است. در نتیجه، با افزایش آگاهی و اطلاعات کادر آموزشی دانشگاه از موک‌ها و دانشجویان از کارآمدی و نتایج مثبت و اثربخش آن در فرآیند برنامه‌ریزی درسی و بهبود نگرش مثبت این امکان به وجود می‌آید که

یادگیرنده در ساخت دانش، فعالیت‌های یادگیری و یاددهی برای رسیدن به خودکارآمدی به صورت فعال از موک‌ها استفاده کند.

راه‌اندازی و گسترش نظام آموزشی مبتنی بر موک‌ها سبب می‌گردد تا استادان و دانشجویان به درجات مختلفی از استانداردهای گوناگون برای انجام تعلیم و تربیت به صورت برخط و با حجم و کیفیتی دلخواه استفاده نمایند. نوآوری‌های آموزشی مثل برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها به دلیل جدید بودن و در حال توسعه بودن جامعه تهدیدی محسوب می‌شوند و در نتیجه، توسط بعضی از صاحب‌نظران و استادان مورد حمله قرار می‌گیرند و همه این شرایط مستلزم آگاهی و دانش روزافزون استادان، برنامه‌ریزان، دانشجویان و مدیریت هوشمندانه فرآیند نهادینه سازی نوآوری در عرصه جامعه است. بنابراین، از یک‌سو، به دلیل آن که خط‌مشی جامعی برای تلفیق موک‌ها در برنامه‌درسی آموزش عالی وجود ندارد، دوره‌های کارآموزی مناسبی برای مدرسان در این زمینه برگزار نمی‌شود و این امر سبب برخوردار نبودن آنان از اعتماد به نفس و مهارت‌های لازم برای بهره‌گیری از موک‌ها در سطوح کاربردی بالاتر شده است.

از سوی دیگر، ساختار سنتی و دیوان‌سالارانه مدیریت مؤسسات آموزش عالی در کشور ایران و نیز محدودیت منابع و زیرساخت فن‌آوری، سبب سلب امکان همکاری استادان با رؤسای مؤسسات در جهت تبادل نظر و بازاندیشی در فعالیت‌های آموزشی و افزایش کاربست موک‌ها توسط آنان شده است. در نتیجه، باید از بدو ورود دوره‌های آموزشی مبتنی بر موک‌ها و بسترها و زیرساخت‌های مناسب برای اجرای این نوآوری فراهم شود تا استادان با کارکردهای آن آشنا شوند و با میل و علاقه تدریجاً آن را بپذیرند و نهادهای سیاستگذار و هدایت‌کننده آموزش عالی در جامعه به خصوص در کشورهایی در حال توسعه‌ای چون ایران که بخش اعظم سیاست‌ها و تصمیم‌ها به صورت متمرکز اتخاذ می‌شود، بهتر است به هر روش نوین آموزشی به منزله یک رویکرد مکمل نگاه کنند؛ زیرا هر روش آموزشی در جایگاه خود دارای اهمیت است و ظهور نوآوری‌های آموزشی چون موک‌ها نباید به منزله حذف روش‌های سنتی تلقی شود. یک‌یازمهم‌ترین شاخص‌های آموزش عالی امروز بسط مشارکت و همکاری بین‌المللی و ملی بین استادان و صاحب‌نظران است. بر این اساس، بخش مهمی از برنامه‌ریزی‌های مرتبط با نوآوری‌هایی چون موک‌ها باید به صورت مشارکتی و گروهی تعیین شود. مدیران آموزش عالی و مدیران گروه‌ها

لازم است بتوانند با برخورداری از شرایط، امکانات و روش‌های آموزشی مناسب، مشارکت و همکاری را بین استادان ترویج دهند.

امروزه استادان بیشتر اوقات، برنامه درسی خود را به صورت انفرادی اجرا می‌کنند؛ این امر در حالی صورت می‌گیرد که نوآوری‌های آموزشی با مشارکت و تبادل نظر بین استادان به بهترین شکل محقق می‌شود. در نتیجه، باید فرهنگ مشارکت و تبادل نظر بین استادان تشویق شود و استادان فعال در این زمینه مورد حمایت مادی و معنوی قرار بگیرند.

داشتن برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها در عرصه آموزش عالی از دیگر راهبردهای مؤثر در کاربست موک‌ها در آموزش عالی است. یکی از مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ریزی راهبردی توجه به فرهنگ حاکم است، فرهنگ غلط و باور منفی و غلط خیلی از استادان بر کاربرد موک‌ها در برنامه‌های درسی تأثیرگذار است. در واقع، هیچ آموزشی در حلاء شکل نمی‌گیرد. روش‌های مختلف آموزشی مثل موک‌ها در بستر زندگی اجتماعی دانشجویان و استادان محقق شده است، از محیط متأثر گردیده و بر آن تأثیر می‌گذارند. این تأثیر متقابل در بخش جامعه بیشتر به فرهنگ جامعه و افراد وابسته به آن مرتبط می‌گردد. فرهنگ که بر نگرش و عملکرد استادان و دانشجویان تأثیر می‌گذارد و زمانی که فرهنگ باز و انعطاف‌پذیری بر فضای آموزش عالی حاکم باشد، استادان و دانشجویان نیز با نگرش و نگاه مثبت‌تری فن‌آوری‌های جدید را می‌پذیرند. در رابطه با تأثیر فرهنگ حاکم بر سازمان‌های مختلف بر متغیرهایی نظیر توانمندی سازمانی (Chiang & Jang, 2008)، مدیریت دانش و یادگیری سازمانی (Akhavan Sadeghi, Jafari, Khadayari, Pakdaman & Mohammadi, 2010)، اثربخشی سازمانی و بهره‌وری و عملکرد سازمانی (Deem, 2009)، افزایش خلاقیت (Piran, 2012 et al.)، صورت گرفته است. (MorenoNaghavi, 2011)

داشتن برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها در عرصه آموزش عالی از ملزومات راهبردی دیگر در راستای کاربست موک‌ها در آموزش عالی می‌باشد. بنابراین، آموزش عالی در ایران در سالیان گذشته رشد خوبی داشته و توانسته است در حوزه‌های مختلف علمی و فن‌آوری تحولات بنیادی ایجاد کند. با توجه به حضور فن‌آوری‌های نوین آموزشی مثل موک‌ها، امروزه آموزش عالی در ایران وارد عرصه جدیدی شده است. از جمله مسائلی که آموزش عالی با آن روبه‌روست، این است که همزمان با ارائه خدمات با کیفیت آموزشی در برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها



بایستی در تأمین هزینه‌های خود نیز به صورت مستقل و خودکفا عمل کنند. بنابراین، ضرورت دارد تا با تدوین راهبردهای دقیق، تلاش گسترده‌ای را در راستای رسیدن به مأموریت خود داشته باشند. تدوین و اجرای برنامه راهبردی در زمینه موک‌ها، آموزش عالی را و می‌دارد تا منطبق ایجاد ارزش و مخاطب برنامه‌ریزی و تجارت الکترونیک را روشن کند. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی راهبردی شیوه‌ای برای عملیاتی ساختن آرمان، مأموریت و راهبردهای آموزش عالی امروز است و چشم‌انداز آینده آموزش عالی به واسطه برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها و ارایه تدابیر هوشمندانه و جامع مدیریتی و فنی در راستای بهره‌گیری حداکثر از ظرفیت‌های آموزشی و تجاری موک‌ها، حوزه اصلی برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه موک‌ها می‌باشد. برنامه‌ریزی راهبردی صرفاً در زمینه ترسیم و تدوین چشم‌انداز و راه کارهای کاربردی است که در آموزش عالی نمی‌باشد؛ بلکه این رویکرد راهبردی به برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها ابزاری برای تبیین راهبردهای کلان و چندگانه آموزش عالی و اصلاح و تقویت آنها می‌باشد که با هماهنگی فعالیت‌ها در سطوح مختلف آموزش عالی امکان دستیابی به ظرفیت‌ها و فرصت‌های مبتنی بر نهادینه سازی موک‌ها در آموزش عالی را میسر می‌سازد. برنامه‌ریزی راهبردی در عرصه کاربردی موک‌ها، انعکاسی از ارزش‌های حاکم بر جامعه علمی است و با به تصویر کشیدن فن‌آوری‌ها و نوآوری‌های مختلف در عرصه آموزشی مسایل و چالش‌های مرتبط با موک‌ها را به واسطه تبادل نظر متخصصان و استادان روشن نموده و با مطرح ساختن اهداف بلند مدت و تعیین رسالت‌های آموزش عالی استادان و مدیران آموزش عالی را در انجام فعالیت‌هایشان هم‌جهت و هماهنگ می‌سازد. در واقع، به گونه‌ای برنامه‌ریزی راهبردی کمک می‌کند که نوآوری موک‌ها جنبه بومی پیدا نموده و امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی آموزش عالی در زمینه کاربردی موک‌ها را در نظر می‌گیرد.

از پایه‌ترین و ساختاری‌ترین مؤلفه‌های راهبردی تعیین کننده در کاربردی موک‌ها در فضای آموزش عالی، اعمال‌ساز و کارهای مدیریتی صحیح در راستای استفاده بهینه از موک‌ها می‌باشد. بی‌گمان چنانچه قرار باشد در آموزش عالی به واسطه نوآوری‌های آموزشی مثل موک‌ها مسیر روبه رشدی جهت توسعه در پیش گرفته شود و کلیه مراتب و مراحل آن با سرعت پشت سر نهاده شود، باید همه امکانات و عوامل ملی و محلی آن منطقه بسیج گردیده تا هم با صرف کمترین هزینه و هم در ابعاد گسترده‌تر بتوانند از همه مواهب و نتایج آن منتفع گردند.

در این راستا، نگاه مدبرانه و جامع به ابعاد انسانی و غیرانسانی و ساختاری می‌تواند کمک شایانی به این امر بنماید. لذا، شناسایی و استفاده از همه ارکان، پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آموزش عالی در جهت تحقق کارآمد برنامه‌های درسی مبتنی بر موک‌ها به عنوان اولین و مهم‌ترین امر ضروری به نظر می‌رسد که در این بین نقش عوامل و عناصر انسانی از یک سو و بهره‌جویی از تمامی اجزا و ظرفیت‌های محیطی، اجتماعی و فرهنگی، زیرساخت‌ها و عوامل حمایتی از دگر سوی، بسیار مهم می‌باشند. مطمئناً شناسایی این ظرفیت‌ها هم کمک شایانی به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امر توسعه می‌نماید و هم در تشخیص راه‌اندازی نوع فعالیت‌های کسب و کار در آموزش عالی با توجه به ظرفیت‌های آن به عنوان گام‌های اولیه بسیار مؤثر است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی به مثابه سرمایه‌های علمی و پژوهشی در آموزش عالی محسوب می‌شوند و این قشر به دلیل تسلط بر مبانی نوین نظری و سواد اطلاعاتی و الکترونیکی جدیدتر می‌توانند با تمایل و کارآمدی بیشتر این نوآوری‌ها را بپذیرند و به صورت کارآمد به کارگیرند. نگاه متمرکزانه و از پیش تعیین شده به برنامه‌های آموزشی و درسی باعث محدودیت خلاقیت و نوآوری می‌شود و ظرفیت‌های دانشکده و دانشگاه را به طور جدی مورد توجه قرار نمی‌دهند. در صورتی که موک‌ها به برنامه‌های درسی باز و انعطاف‌پذیری نیاز دارند که مستلزم ذهنی باز و آزاد می‌باشد در نتیجه بهتر است، با اتخاذ تدریجی رویکرد متمرکز در فضای آموزش عالی به استادان و متخصصان برنامه‌های درسی آزادی عمل بیشتری داده و ساز و کارهای آموزشی و قانونی را به کمک تبادل نظر و مشارکت همه‌جانبه دانشجویان استادان و سایر متخصصان پیاده‌سازیم. بنابراین، موک منبع دیگری برای یادگیری و آموزش می‌باشد، در حالی که می‌توان گفت این شیوه به نسبت شیوه سنتی، دارای جذابیت‌های بسیار بیشتری می‌تواند باشد، همان‌طور که نمی‌توان گفت هیچ شیوه‌ی به غایت کاملی، برای آموزش وجود دارد، موک‌ها هم دارای اشکالات و نواقصی می‌باشند و نیاز به پیاده‌سازی راهبردهایی مدبرانه و هوشمندانه و جامع می‌باشد.

- با توجه به راهبردهای مطرح شده توسط مصاحبه‌کنندگان پیشنهادهاى زیر ارایه می‌شود:
- توجه به شاخص‌های بین‌المللی برنامه‌های درسی و آموزشی در تدوین و اجرای فرآیند آموزش.
  - حمایت مادی و معنوی دانشگاه و دانشکده از نوآوری‌ها و استادان نوآور.
  - توجه به افزایش توانمندی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای اعضای هیأت علمی به منظور تدارک زمینه مشارکت آنها در فرآیند بازننگری و تدوین برنامه‌های درسی (برگزاری کارگاه آموزشی در این زمینه بسیار مفید و مؤثر است) و تلاش برای استخدام و به کارگیری نیروی متخصص و کارآمد از جمله اقدامات مهم وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری است.
  - تغییرات ساختاری و کاهش بوروکراسی در دانشگاه‌ها متناسب با حوزه برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز دانشگاهی و افزایش تجهیزات مانند کتابخانه‌ها، ایجاد زیرساخت‌های اداری و فن‌آوری مدنظر قرار گیرد.
  - نهادینه کردن فرهنگ آموزشی استادمحور، دانش‌محور و خلاقیت‌محور در فضای دانشگاه و دانشکده‌ها.
  - به کارگماری دانشجویان دکتری در فرآیند برنامه‌های درسی و تشویق مادی و معنوی آنها.

## References

- Agarwala, M. (2013). *A research summary of MOOC completion rates*. Retrieved from <http://edlab.tc.columbia.edu/>
- Akhavan, P., Sanjaghi, M., & Ojagghi, H. (2011). The relationship between innovative management, organizational culture and knowledge management. *Defense Strategy*, 38, 177-199.
- Allon, G. (2012). Operations management, Udey. *Chronicle of Higher Education*, 59(6), B10-11.
- Arefi, M. (2005). *Strategic curriculum in higher education*. Tehran: *Jahad Daneshgahi, Publication of Beheshti University*. (in Persian).
- Baran, E., Correia, A., & Thompson, A. (2011). Transforming online teaching practice: Critical analysis of the literature on the roles and competencies of online teachers. *Distance Education*, 32(3), 25-41.
- Belanger, Y., & Thornton, J. (2013). *Bioelectricity: A quantitative approach*. Retrieved May 7, from <http://dukespace.lib.duke.edu/dspace/bitstream/handle>
- Carnell, E. (2007). Conceptions of effective teaching in higher education: Extending the boundaries. *Teaching in Higher Education*, 12, 25-40.
- Chiang C. and Jang F. (2008). The antecedents and consequences of psychological empowerment: The case of Taiwans hotel companies. *J Hosp Tourism Res*, 32, 40-61.
- Daniel, J. (2012). "Making sense of MOOCs: Musings in a maze of myth, paradox and possibility." *Journal of interactive Media in education* 2012.3
- Deem, J. (2009). *The relationship of the organizational culture to balanced scorecard effectiveness*. Dissertation, Doctor of Business Administration, Nova Southeastern University.
- Gilbert, G., Doina F., Nicoleta G., & Daniel M. (2010). The use of virtual instruments in engineering education. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1(2), 3806-3810.
- Harirchiyan, M., YarMohammadian, M., Bahrami, S. Bahadorani, M., & Soleimaniyan, M. (2011). Web based learning, knowledge, attitude and practice of faculty members of Isfahan University of Medical Sciences. *Health Information Management*, 7(3): 243-250.
- Jacobs, A. J. (2013). *Two cheers for Web* *New York Times*, 162(56113), 1-7.
- Khazaei, T., Hedayati, H., Moghadb, M., & Modarshahian, F. (2010). Theoretical teaching skills from the viewpoint of faculty members and students of faculty of nursing and midwifery of Birjand University of Medical Sciences. *New Care, Journal of Nursing and Midwifery, Birjand University of Medical Sciences*, 7, 1-2.
- McAuley, A., Stewart, B., Cormier, D., & Siemens, G. (2010). *In the Open: The MOOC model for digital practice*. SSHRC Application, Knowledge Synthesis for the Digital Economy.

- Omati, E., & Tavassoli, M. (2015). The emergence of MOOCs in medical education. *Modern Medical Information Science*, 1(3), 53-40.
- Piran, M., Parvar, H. R., & Asami, K. (2012). Investigating the impact of organizational culture dimensions on creativity: The viewpoints of faculty members of Shiraz University and Shiraz University of Medical Sciences. *Higher Education*, 17, 137-164.
- Priestley, M., Minty, S., & Eager, M. (2014). School-based curriculum development in Scotland: Curriculum policy and enactment, Pedagogy. *Culture & Society*, 22(2), 189-211.
- Ringstaff, C., & Kelly, L. (2002). *The learning return on our educational technology investment: A review of findings from research*. Retrieved from [http://www.wested.org/online\\_pubs/learning\\_return.pdf](http://www.wested.org/online_pubs/learning_return.pdf)
- Sadeghi, A., Jafari, H., Khadayari, R., Pakdaman, M., & Mohammadi R. (2010). Relationship Between the Components of Organizational Culture and knowledge Management. *Hospital*, 10(2), 8-1.
- Sarafzadeh, M. (2016). Libraries and Librarians in the Age of MOOC. *Information Technology Sciences and Technologies*, 2, 7-27. (in Persian).
- Seraji, F., and Ataran, M. (2011). *E-Learning: Basics, Design, Implementation and Evaluation*. Hamedan: Bu-Ali Sina University Press
- Srivastava, A., Bartol, K. M., & Locke, A. (2006). Empowering leadership in management teams: Effects on knowledge sharing, efficacy, and performance. *Academy of Management Journal*, 9(6), 1239-1251.
- Yuan, L., & Powell, S. (2013). *MOOCs and open education: Implications for Higher Education*. Retrieved from <http://publications.cetis.co.u/2013/667>
- Yunnus, M.M., Hashim, H., Embi, M.A., & Lubis, M.A. (2010). The ICT utilization of ICT in the teaching and learning of English: Tell memore. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9, 685-691.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی